شهریار شاهمندی[1]

# سنگ‌مزار «آقا علی‌اکبر» به قلم «میرزا غلامرضا اصفهانی» و تراش «محمّدعلی حجّار طهرانی»

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲
doi 10.22034/10.2.238

## چکیده

قبرستان‌ها و سنگ‌های مزار، از مهم‌ترین بسترهای بروز سنت‌های طراحی، خوش‌نویسی و حجّاری‌های نفیس به‌شمار می‌آیند و نگاهبان بخش قابل توجهی از فرهنگ، تاریخ و شاهکارهای هنری هستند اما به دلیل پراکندگی جغرافیایی، کم‌توجهی و فقر منابع مکتوب، مطالعه و پژوهش در این حوزه نسبت به دیگر شاخه‌های معماری با تأخیر و محدودیت همراه بوده است. انواع خطوط کوفی، ثلث، نسخ و نستعلیق در کنار تزئینات اسلیمی، هندسی و نقشمایه‌های انسانی، گیاهی و جانوری به منظور احترام به جایگاه متوفی و غنای مادی و معنوی قبور به دست هنرمندان و اساتید بزرگ به کار گرفته شده و توسط حجّاران چیره‌دست به اجرا درآمده است. با این وجود، شمار قابل توجهی از اینگونه آثار همچنان ناشناخته باقی مانده و گاه همچون سنگ‌مزار «مهد عُلیا» بر حسب اتفاق در گوشه و کنار آرامگاه یا موزه‌ای مورد توجه قرار گرفته و پس از بررسی، ارزش‌های فرهنگی و هنری آن آشکار شده است. در همین راستا و حین مطالعات میدانی و عکاسی از تزئینات معماری در شهر ری، سنگ‌مزاری نفیس از دورهٔ قاجار واقع در آرامگاه «بی‌بی شهربانو» شناسایی شد. سنگ فوق به مزار شخصی با نام «آقا علی‌اکبر» تعلق دارد که به سال ۱۲۸۸ق توسط استاد مسلّم نستعلیق «میرزا غلامرضا اصفهانی» کتیبه‌نویسی شده و استاد «محمدعلی حجّار» آن را تراش و دورگیری نموده است. این پژوهش تلاش دارد تا سنگ‌مزار فوق را به عنوان اثری فاخر از هنر قاجار معرفی و ویژگی‌های خوش‌نویسی و حجّاری آن را با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** سنگ‌مزار آقاعلی‌اکبر، آرامگاه بی‌بی شهربانو، قاجار، کتیبه‌نویسی نستعلیق، میرزا غلامرضا اصفهانی، حجّاری، محمدعلی حجّار

۱. مربی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
Shahmandi20@gmail.com

Shahriyar Shahmandi[1]

# The Tombstone of Agha Ali Akbar: Penned by Mirza Gholamreza Isfahani and Carved by Mohammad Ali Hajjar Tehrani

Received: 2026/01/24
Accepted: 2026/05/12

## Abstract

Cemeteries and tombstones serve as vital platforms for the manifestation of design, calligraphy, and fine stone-carving traditions, acting as repositories for a significant portion of cultural history and artistic masterpieces. However, due to geographical dispersion, insufficient attention, and a scarcity of written sources, research in this domain has lagged behind other architectural disciplines. Various scripts, including Kufic, Thuluth, Naskh, and Nastaliq, alongside Islamic and geometric ornamentation, as well as human, botanical, and animal motifs, have been employed by master artists and executed by skilled stonemasons to honour the status of the deceased and enhance the material and spiritual richness of the graves. Nevertheless, a considerable number of such works remain undiscovered. Occasionally, much like the tombstone of Mahd-e Olya, they are serendipitously found in the recesses of a tomb or museum, their cultural and artistic value only revealed upon subsequent examination. In this context, during field studies and the photographic documentation of architectural decorations in the city of Rey, an exquisite tombstone from the Qajar period was identified within the tomb of Bibi Shahrbanu. This stone belongs to the grave of an individual named Agha Ali Akbar. The inscription was penned in 1288 AH (1871 CE) by the undisputed master of *Nastaliq*, Mirza Gholamreza Isfahani, and subsequently carved and outlined by the master stonemason, Mohammad Ali Hajjar. Employing a descriptive-analytical methodology, this research aims to introduce this tombstone as a distinguished masterpiece of Qajar art and to examine its calligraphic and stone-carving characteristics.

**Keywords:** Tombstone of Agha Ali Akbar; Tomb of Bibi Shahrbanu; Qajar Era; *Nastaliq* Inscription; Mirza Gholamreza Isfahani; Stone Carving; Mohammad Ali Hajjar.

1. Instructor, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.
Shahmandi20@gmail.com

**ارجاع به مقاله:** شاهمندی، ش. (۱۴۰۴). سنگ‌مزار «آقا علی‌اکبر» به قلم «میرزا غلامرضا اصفهانی» و تراش «محمّدعلی حجّار طهرانی» گلستان هنر، ۱۰(۲۹): ۲۲۷-۲۳۸.

**How to Cite This Article:** Shahmandi, sh. (2026). The Tombstone of Agha Ali Akbar: Penned by Mirza Gholamreza Isfahani and Carved by Mohammad Ali Hajjar Tehrani. *Golestan– e Honar*. 10(29): 227-238.

**۱. مقدمه**

نتایج گسترش و اعتلای قلم نستعلیق و نوآوری در حجّاری دورهٔ قاجار و البته همنشینی و همکاری طراحان، خوش‌نویسان و حجّاران نه تنها در کتیبه‌های ابنیه و عمارات که در سنگ‌های مزار این عصر نیز قابل توجه و اهمیت فراوان است به طوریکه بسیاری از قبور پادشاهان و درباریان قاجاری را به واسطهٔ عیار خط، نقوش و ظرافت تراش می‌توان جزو شاهکارهای هنری و از جاودانه‌های میراث فرهنگی ایران برشمرد. سنگ‌مزار شاهانی چون فتحعلیشاه، محمدشاه، ناصرالدین‌شاه و بزرگانی مثل مهد علیا، شجاع‌السلطنه، قهرمان میرزا و قبور مشاهیر علم و فرهنگ که در آرامگاه‌ها و موزه‌های ایران و جهان پراکنده‌اند از اهمیت و جایگاه سنگ‌مزار نزد سفارش‌دهندگان و بازماندگان متوفی و حضور و به کارگیری خوش‌نویسان مطرح و حجّاران نامی این دوره حکایت دارد. سنگ‌مزار «آقا علی‌اکبر» از این دست آثار و حاصل مؤانست و همکاری «میرزا غلامرضا اصفهانی» و «محمدعلی حجّار» و از نمونه‌های فاخر کتیبه‌نویسی و حجّاری دورهٔ قاجار است. کتیبه‌نویسی نستعلیق و حجّاری قبور در عصر قاجار فرایندی تأثیرگذار و نقطه‌ای عطف در تاریخ فرهنگ و هنر ایران است و از این رو معرفی و تمرکز بر آثار و هنرمندان این دوره امری مهم و ضروری می‌نماید.

نستعلیق در دورهٔ قاجار خط ملّی ایرانیان شد و در اغلب هنرها، کتیبه‌های معماری و اسناد و مکاتبات مورد استفاده قرار گرفت. در این دوره، اغلب اساتید بزرگ بعد از مدتی مشق از سبک نستعلیق صفوی، به استقلال و اعتبار بالایی دست یافتند (احسنت، ۱۳۸۶، ص. ۴). سبک و شیوه‌های این دوره، شامل سبک میرعماد، سبک «میرحسین ترک» (وفات۱۳۰۰ق.)، «میرزا کاظم» (وفات۱۳۲۵ق.) و «میرزا غلامرضا اصفهانی» (۱۳۰۴/۱۲۴۶ق.) و بالاخره سبک «میرزارضاکلهر» (۱۳۱۰/۱۲۴۵ق.) بود (حصوری، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۵). بی‌گمان افتخار روند تکمیل و اعتبار یافتن کتیبه‌های نستعلیق نیز متعلّق به عصر قاجار است. در این ایام با توجه به حمایت شاهان قاجار مخصوصاً فتحعلیشاه و ناصرالدّین‌شاه کتیبه‌نویسی نستعلیق وارد دورهٔ تازه‌ای شد به طوریکه همچون قلم ثلث در فشردگی و ترکیب‌بندی خاص نوشته می‌شد یا همچون سطرنویسی بر پهنهٔ سنگ، کاشی و گچ خودنمایی می‌کرد (شهیدانی و شاهمندی، ۱۴۰۰، ص. ۸۱). کتیبه‌های زیادی از خوش‌نویسان مطرح قاجار بر ابنیه و عمارات این دوره باقی مانده که برخی از آن‌ها به قلم میرزا غلامرضا و شاگردان وی است.

میرزا غلامرضا اصفهانی (۱۲۴۶ق/۱۳۰۴ق.) را بزرگترین خوش‌نویس قاجار و چهرهٔ یگانهٔ خط نستعلیق بعد از میرعماد (۱۰۲۴/۹۶۱ق.) نامیده و قلم و شیوهٔ وی را نمایندهٔ ذوق و کارکرد زیبایی عصر قاجار دانسته‌اند و این سخنی به گزاف نیست. وی تنها کسی است که پس از میرعماد در نستعلیق سربلند کرد و نه تنها بر زیبایی‌شناسی خط میر نقطهٔ پایان نهاد که قدمی نیز به جلو برداشت. میرزا غلامرضا به درک زیبایی روزگار خویش رسید و آن را در خوش‌نویسی نستعلیق متجلی کرد (حصوری، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۶). وی خط نستعلیق را بسیار کامل و استادانه می‌نوشت و خصوصاً در فن کتیبه‌نگاري و ترکیب‌کردن کلمات شیوه‌ای ممتاز از دیگران داشت

و علاوه بر این طبع شعر داشت و گاهی به گفتن نظم میل و رغبت می‌کرد (راهجیری گیلانی، ۱۳۵۵، ص. ۸۴). همچنین نقل است که میرزا علاوه بر شاگردیِ اساتیدی چون «سیدحسن چادردوز» و «محمدباقر سمسوری» که از خوش‌نویسان و کتیبه‌نویسان نامی اصفهان بودند (بختیار به نقل از استاد همایی، ۱۳۹۸، ص. ۲۴) محضر «سیدعلی حسینی طهرانی حکاک» (وفات۱۲۷۵ق.) را درک نموده است (هاشمی‌نژاد به نقل از سهیلی خوانساری، ۱۴۰۱، ص. ۲۰۷) لذا در سبک‌شناسی آثار وی علاوه بر ذوق شخصی، می‌بایست به رواج کتیبه‌نویسی عصر قاجار و اساتید کتیبه‌نویس و حکاکی که وی نزد آن‌ها تلمذ نمود نیز توجه داشت.

هر چند قطعات بسیاری از میرزا غلامرضا باقی مانده اما به خاطر عدم ثبت و ضبط، آمار درست و دقیقی از تمامی کتیبه‌های وی در دسترس نیست و برخی کتیبه‌ها نیز بدون سند به وی منسوب شده است. تا کنون کتیبه‌های مسجد سپهسالار (۱۳۰۱ق.)، کتیبهٔ سنگ‌مزار مهدعلیا (۱۲۹۶ق.) (قلیچ‌خانی،۱۳۹۲) و کتیبهٔ سنگ‌مزار آقاعلی‌اکبر (۱۲۸۸ق.) به عنوان قدیمی‌ترین کتیبه از ایشان شناسایی شده است. این دو سنگ‌مزار نشان می‌دهد میرزا احتمالا در حوزهٔ کتیبه‌نویسی قبور نیز آثار قابل توجهی به یادگار گذاشته اما همچنان ناشناخته باقی مانده‌اند.

«سنگ‌مزار نویسی» بر اساس شواهد، سنتی متداول بین خوش‌نویسان بوده و بخشی از فعالیت آنان را در بر می‌گرفته است. از قبور هرات تا سنگ‌های مزار تخت‌فولاد اصفهان، ابن بابویه شهر ری و دارالسلام شیراز، خوش‌نویسان نامداری چون جعفر تبریزی (۸۵۹/۷۵۸ق.)، سلطانعلی مشهدی (۹۲۶/۸۲۹ق.)، صحیفی جوهری (متوفی۱۰۲۲ق.)، محمدباقر سمسوری (زنده به سال۱۲۴۷ق.)، میرزا غلامرضا اصفهانی و میرزا عمو طهرانی (زنده به سال۱۳۱۵ق.) در آن دست داشتند. قابل توجه اینکه اولین کتیبه‌های نستعلیق در سنگ‌های مزار نیز همزمان با دیگر کتیبه‌های معماری و به قلم بزرگترین خوش‌نویسان نمایان می‌شود. در آرامگاه «پیرِ هرات» سنگ‌های مزاری به خط نستعلیق مربوط به نیمهٔ دوم قرن نهم هجری وجود دارد که احتمالا به دست جعفر تبریزی و یا اظهر تبریزی کتیبه‌نویسی شده باشد (قلیچ‌خانی، ۲۰۱۵، ص. ۴۶-۵۲). هرچند برخی از کتیبه‌ها نیز به سلطانعلی مشهدی نسبت داده می‌شود (قمی، ۱۳۶۶، ص. ۶۱).

دورهٔ قاجار همچنین یکی از ادوار شاخص و مؤثر در تاریخ حجّاری ایران است چراکه به واسطهٔ حمایت دربار به ویژه فتحعلیشاه در حجّاری پرتره و تراشیدن سنگ‌قبور بدعت‌های تازه پدیدار گشت و نقش‌اندازی صخره‌ها که بیش از هزارسال فراموش شده بود تجدید حیات یافت (تناولی، ۱۳۹۲، ص. ۸۲). نوآوری‌های فتحعلیشاه در سنگ‌های مزار تصویری و به‌کارگیری خوش‌نویسان و حجّاران طراز اول، توسط جانشینان وی تا پایان عصر قاجار نیز حیات و تداوم داشت (همان، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۴). بدین گونه اهمیت طراحی و ساخت سنگ‌های مزار نفیس و زیبا در دیگر طبقات جامعه و قبرستان‌های عمومی نیز رسوخ نمود و هرشخص و سفارش‌دهنده‌ای متناسب با بضاعت و جایگاه اجتماعی خویش از هنرمندان نامی و زبردست برای غنای قبور خود بهره گرفت.

ساخت تخت مرمر، تصاویر و کتیبه‌های

نستعلیق قاجاری در چشمه علی شهر ری و تنگه واشی فیروزکوه، سنگ‌های مزار پادشاهان قاجاری و بسیاری از کتیبه‌ها و نقش‌برجسته‌های سنگی، نشان از توانایی و استادی حجّاران این دوره دارد. حجّاران قاجار در فضای ایجاد شده، استقلال بیشتری یافتند و رقم و امضای ایشان همچون سایر هنرمندان، ذیل آثار حک گردید. محمدابراهیم اصفهانی (حجّارباشی دربار)، محمدحسین، محمدباقر، مرتضی، غلامعلی، محمدعلی حجّار اصفهانی، استاد قاسم، عباسقلی حجّار، محمدعلی میرزا طهرانی و فرزندش علی اکبر، حسینعلی حجّار و عباس قمی از شمار هنرمندانی هستند که نشان آن‌ها مستقل از طراحان و خوش‌نویسان در سنگ‌های مزار و دیگر آثار حجّاری عصر قاجار باقی مانده است.

در باب خوش‌نویسی عصر قاجار و احوال و آثار میرزا غلامرضا اصفهانی سخن بسیار رفته اما در مورد هنر حجّاری قاجار و به ویژه هنرمندان این حوزه، تاریخ فرهنگ و هنر ایران با کمبود و فقر منابع مواجه است. از زندگی و فعالیت «محمدعلی حجّار طهرانی» همچون سایر هم مسلکانش به جز چند راقمه و معرفی مختصر آثار، اطلاعات چندانی در دسترس نیست و کمتر شرحی بر احوال ایشان رفته است. محمدعلی حجّار همانگونه که از آثارش پیداست از جمله اساتید مطرح زمانه و از هنرمندان دربار قاجار بوده که همکاری وی با طراحان و خوش‌نویسان و مهارت وی در تراش و دورگیری نقوش و خطوط، نفایس هنری را در پی داشته است. از جمله آثار وی می‌توان به حجّاری سنگ‌مزار «آقا علی‌اکبر» (۱۲۸۸ق.) و همچنین سنگ‌مزار «مهد علیا» (۱۲۹۶ق.) که با همکاری فرزندش «علی‌اکبر حجّار» انجام پذیرفت اشاره نمود. هرچند حجّاران در تاریخ هنر ایران گمنام مانده و کمتر به آن‌ها توجه شده اما شاهکارهایی که از ایشان به یادگار مانده، عیار و جایگاه حقیقی این هنرمندان بی‌ادعا را بازگو می‌نماید.

**۲. روش تحقیق**

این مقاله به کمک مطالعهٔ میدانی و کتابخانه‌ای، با رویکرد تاریخی و به روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر را معرفی و خوانش نموده و سپس ابعاد هنری و تاریخی آن از جمله خوش‌نویسی، حجّاری و صاحب مزار را مورد نقد و بررسی قرار خواهد داد. تصویربرداری از این اثر در آرامگاه بی‌بی شهربانوی شهر ری و سنگ‌مزار مهد علیا در قم با مراجعه نویسنده به محل و رؤیت مستقیم انجام پذیرفته است.

**۳. پیشینهٔ پژوهش**

کتب و مقالات مختلفی پیرامون حجاری، سنگ‌های مزار، کتیبه‌نویسان و حجاران عصر قاجار به رشتهٔ تحریر درآمده اما در هیچ یک از این منابع اشاره‌ای به سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر با کتیبه‌نویسی میرزا غلامرضا و تراش «محمدعلی حجّار» نشده است. حتی در فهرست اعلام و پژوهش‌هایی که در باب مزارهای شهر ری و آرامگاه بی‌بی شهربانو نگارش شده نیز گفتاری از این سنگ‌مزار و شخصی با نام آقا علی‌اکبر در میان نیست. مهبانو علیزاده (۱۳۹۹) در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به معرفی «بقعهٔ بی‌بی شهربانو»، پرداخته و بخش‌های مختلف معماری آن را بازگو می‌کند اما از سنگ‌مزار فوق یادی نمی‌شود. حسین کریمیان و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی حجّاری‌های قاجاری در حرم حضرت عبدالعظیم(ع)» حجّاری نقوش تصویری را تحلیل نموده و از حجّاران قاجاری تنها به نام

«حجّارباشی» اکتفا می‌کنند و به دیگر حجّاران این خطه توجهی ندارند. نیایش پورحسن (۱۴۰۳) در مقالهٔ «علی‌اکبر حجّار هنرمند صاحب‌سبک دارالفنون» به احوال و آثار این هنرمند حجّار و مجسمه‌ساز می‌پردازد اما از پدر وی، محمدعلی حجار ذکری نمی‌شود. استاد تناولی در کتب «سنگ قبر» (۱۳۸۹) و «تاریخ مجسمه‌سازی در ایران» (۱۳۹۲) به هنر حجّاری، سنگ‌های مزار شاهان و بزرگان قاجار و هنرمندان حجّار در این دوره می‌پردازد و محمدعلی حجّار را به عنوان مجری سنگ‌مزار «مهد علیا» معرفی می‌نماید اما نامی از میرزا غلامرضا به عنوان کاتب به میان برده نمی‌شود. در مقالهٔ «سنگ قبر محمدشاه و مهدعلیا» (۱۳۵۲) به نقل از کتاب خطی سفرنامه قم، نویسنده (بی‌نام) بدون اشاره به کاتب و حجار به معرفی این دو اثر اکتفا نموده است. دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی (۱۳۹۲) طی مقالهٔ «شاهکاری از میرزاغلامرضا اصفهانی؛ سنگ‌مزار مهد علیا»، کتیبهٔ نستعلیق میرزا را در این اثر معرفی و بررسی می‌نماید اما ذکری از محمدعلی حجّار نمی‌شود. علیرضا کریمی (۱۳۹۳) در مقالهٔ «نگاهی به زندگی و آثار استاد میرزا غلامرضا اصفهانی» به کتیبه‌های مسجد سپهسالار، کتیبهٔ سنگ‌مزار مهدعلیا و مُهر ناصرالدین شاه اشاره می‌کند و کتیبهٔ عمارت مسعودیه را بدون منبع و سند به وی نسبت می‌دهد.

### ۴. معرفی سنگ‌مزار «آقاعلی‌اکبر» و هنرمندان آن

سنگ‌مزار «آقاعلی‌اکبر» واقع در آرامگاه بی‌بی شهربانو و از مرمر یکپارچه در ابعاد ۵۴×۱۱۰/۵ سانتیمتر طراحی و خوش‌نویسی و با ظرافت تمام حجّاری شده است (تصویر ۱). تاریخ وفات آقا علی‌اکبر در مصرع اول از بیت هفتم ۱۲۶۱ق. ذکر شده اما تاریخ کتیبه سنگ ۱۲۸۸ق. است که نشان می‌دهد این سنگ‌مزار ۲۷ سال پس از وفات آقا علی‌اکبر ساخته و نصب شده است. حاشیهٔ سنگ مزین به نقوش زیبای ختایی است که به کمک قاب‌بندی، اشعار و کتیبه‌های نستعلیق را احاطه نموده است. قبور دوران اسلامی به ویژه قبور قاجاری ضمن آنکه دارای نقوش و آرایه‌های مختلف گیاهی، حیوانی و انسانی هستند، خط و خوش‌نویسی در آن‌ها غالب بوده و نقشمایه‌ها در خدمت نوشتارند (شهیدانی، شاهمندی، ۱۳۹۰، ص. ۴۶۰).

**تصویر ۱: سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر**
**ابعاد ۵۴×۱۱۰/۵ cm**
**(منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)**

تصویر۲: سرلوحه سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر «هوالحی الذی لایموت»، (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)

تصویر۳: کتیبه‌های نستعلیق، رقم میرزا غلامرضا، ۱۲۸۸ق. سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر، (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)

در سرلوحهٔ سنگ‌مزار و درون یک قاب هلالی و کاملا شبیه به سرلوحهٔ سنگ‌مزار مهدعلیا عبارت «هو الحی الذی لایموت» به قلم نستعلیق جلی خوش‌نویسی و حجّاری شده به طوریکه از همین ابتدا می‌توان به عیار و ارزش این سنگ پی برد (تصویر۲). این عبارت از متون پر تکرار سنگ‌های مزار قاجاری بوده و در فضایی است که خوش‌نویسان تلاش نموده‌اند با دانگی بالاتر از متن اصلی و با قدرت تمام کتیبه‌نویسی نمایند و عیار قلم و مهارت خود را به رخ بکشند.

پس از سرلوحه و در شانزده قاب هندسی، اشعاری فارسی پیرامون آقاعلی‌اکبر و جایگاه اجتماعی و اخلاقی وی با قلم زیبای میرزا غلامرضا کتیبه‌نویسی و به سعی «محمدعلی حجّار» تراش و دورگیری شده است (تصویر۳).

شمس دین آقا علی اکبر کـــه بود
در طریقت همچو سلطان بوسعید
چـند روزی از پی سیر و ســلوک
زیست در ایـن خـــانه بیم و امید
ظاهـرا بـــر مسند عـــز و جلال
بـا لبـاس اهـل دولت شد پدید
بـــاطنـا در کسوت فقـــر و فنـــا
از ریـاضـــات آنچه می‌باید کشید
عاقبت چون شیبلی و ذوالنون و بُشر
مالک و سَهل و شفیق و بـــایزید
نـــکه الـــترک راحـــه را بیـــافت
تـــرک دنیـــا گفت و عقبی را گزید
درهزار و شصت و یک بعد از دویست
طـایـــر روحش بعلیّین پـــرید
صدهـــزاران رحمت حق تـــا ابـــد
بـــر روان پـــاک وی بـــادا نوید

همچنین در حاشیه‌های عمودی سنگ و درون قاب‌های ترنجی ساده، اشعاری به زبان عربی آمده است (تصویر۴). این متن در ادبیات سنگ‌های مزار صفوی و به ویژه قاجار(در سرلوحه و حاشیه) به کرات دیده می‌شود.

و فـدت علی الـکریم بغیر زاد
من الحسنات و القلب السلیم
و حمل الـزاد اقبح کـل شیء
اذ کـان الـوفـود علی الـکریم

در صدر کتیبه‌های فارسی عبارت «نَمّقَه» دیده می‌شود (تصویر۵). این عبارت هرچند معادل «کتبه»، «مشقه»، «رقمه» و «حرره» می‌باشد اما بار معنایی جامع‌تری دارد. «نَمّقَ» در لغت‌نامه دهخدا اینگونه تعریف شده: «نبشتن، نوشتن نامه را، نقش

**تصویر۴: کتیبه‌های نستعلیق رقم میرزا غلامرضا سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر، (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)**

**تصویر۵: عبارت «نمّقه» (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)**

**تصویر۶: «الفقیر الحقیر غلامرضا غفر ذنوبه ۱۲۸۸» (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)**

**تصویر۷: رقم «محمدعلی حجّار» (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)**

و نگارکردن کتاب و نامه را» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۱۴، ص. ۲۲۷۴۵). به نظر می‌رسد عبارت نمّق در جایی به کار می‌رود که کاتب علاوه بر خوش‌نویسی، بر طراحی نقوش، قاب‌بندی و غیره نظارت داشته و کل ترکیب را ایجاد نموده باشد. حدفاصل بیت‌های چهارم و پنجم درون یک قاب لوزی شکل رقم خوش‌نویس با عبارت «الفقیر الحقیر غلام‌رضا غفر ذنوبه ۱۲۸۸» آمده (تصویر۶) که نشان از وقوف ایشان به مقام و مرتبهٔ والای هنری خود دارد. همچنانکه میرزا غلامرضا در سنگ‌مزار «مهد علیا» نیز امضای خود را نه در پایین سنگ بلکه در مرکز آن (کتبه العبد غلامرضا سنه۱۲۹۶) قرار داده است. رقم حجّار در سنگ‌مزار آقاعلی‌اکبر در بخش پایینی سنگ، «محمدعلی حجّار» نقرکاری شده است(تصویر۷).

**تصویر۸: عبارات«یا حنان، یا منان، یا دیان یا برهان، یا سبحان، یا غفران» (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)**

علاوه بر کتیبه‌های نستعلیق، در صدر و ذیلِ رقم میرزا غلامرضا و درون قاب‌های لوزی شکل عبارات «یا حیان، یا منان، یا دیان، یا برهان، یا سبحان و یا غفران» به خط رقاع قابل مشاهده است (تصویر۸).

خوش‌نویس باید توانایی آن را داشته باشد که بر هر نوع قاب و فضایی که در اختیار وی نهاده می‌شود با انتخاب دانگ مناسب، کتیبه را به زیبایی هرچه تمام تکمیل کند. اما در واقع، بخش مهمی از زیبایی کتیبه‌های نستعلیق و حفظ اصول آن، گذشته از ذوق و قدرت خوش‌نویس، به فنون و مهارت‌های حجّار و تراشنده و آشنایی وی با اصول خوش‌نویسی باز می‌گردد. آنچه واضح است اینکه در شاهکارهای کتیبه‌ای قاجار، کتیبه‌نویس و کتیبه‌نگار در یک همکاری منسجم و تعامل هنری ظریف قرار داشته‌اند.

همکاری میرزا غلامرضا اصفهانی و «حاجی محمدعلی طهرانی» و فرزندش «میرزا علی اکبر حجّار» در سنگ‌مزار «ملک جهان خانم» (مهدعلیا) (تصویر۹) که هشت سال پس از سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر شکل گرفته می‌تواند گواه آن باشد که حجّار این سنگ‌مزار نیز همان «محمدعلی میرزا طهرانی» حجّار مشهور دربار ناصری است. قطعا تراش و دورگیری دقیق و ظریف خط میرزا از حجّار زبردستی چون محمدعلی ساخته بوده همانگونه که این همکاری در سنگ‌مزار مهدعلیا به اوج خود می‌رسد و شاهکاری از کتیبه‌نگاری و حجّاری خلق می‌گردد. هرچند سنگ‌مزار آقاعلی‌اکبر فاقد نقشمایه‌های انسانی و فرشتگان است و از منظر تزئینات و شکوه اندکی با سنگ‌های مزار شاهان و درباریان قاجاری فاصله دارد اما این سنگ از بسیاری جهات از جمله متن سرلوحه، نوع قاب‌بندی کتیبه‌ها، عیار خوش‌نویسی و کیفیت حجّاری با سنگ‌مزار مهدعلیا قرابت دارد. هنرآفرینی استاد برجسته‌ای چون میرزا غلامرضا اصفهانی، طراحی نقوش زیبای گیاهی با حجّاری استادانهٔ محمدعلی این سنگ‌مزار را نیز همچون سنگ‌های مزار درباری در زمرهٔ آثار برجستهٔ کتیبه‌نویسی و حجّاری عصر قاجار قرار می‌دهد.

**تصویر۹: سنگ‌مزار مهدعلیا، سنه ۱۲۹۶ رقم میرزا غلامرضا اصفهانی حجّاری محمدعلی و علی‌اکبر (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)**

### ۵. سبک‌شناسی میرزا غلامرضا در کتیبه‌نویسی

بررسی کتیبه‌های میرزا غلامرضا در مسجد سپهسالار، سنگ‌مزار مهدعلیا و سنگ‌مزار آقاعلی‌اکبر نشان می‌دهد که وی به‌خوبی قابلیت نستعلیق در کتیبه‌نویسی را درک نموده و توانسته فارغ از اندازه و دانگ قلم، تعادل وزن و فضا را حفظ کند. در کتیبه‌های میرزا معنا، ریتم و فضای معماری به یک وحدت و انسجام شکوهمند می‌رسند.

یکی از شاخصه‌های میرزا در کتیبه‌نویسی، تعادل هوشمندانه میان دوایر و کشیده‌هاست که قاعده‌مند و بدون اغراق‌اند و اصولا در خدمت متن و تنظیم‌کنندهٔ فضای کار هستند. در قلم میرزا هیچ فرم و ترکیبی بر دیگری سلطه ندارد. دوایر کاملاً کنترل‌شده و متعادل‌اند و توازن را در برابر کشیده‌ها برقرار می‌نمایند. دوایری مثل «ن»، «ح» و «ی» نشانگر وقار، سکون و تمرکز و کشیده‌ها نماینده حرکت، امتداد و پیوستگی‌اند. کشیده‌ها در این کتیبه نه بلند و نمایشی‌اند نه کوتاه و مقطع بلکه تابع فضای هر سطر هستند و ریتم آن را حفظ می‌کنند. به طور مثال حرف «ت» در عبارت «هوالحی الذی لایموت» علاوه بر زیبانمودن ترکیب، فضای قاب هلالی را تکمیل می‌نماید. در این اثر به کمک سطرها و تکرار هوشمندانهٔ دوایر و کشیده‌ها ریتمی منحصر ایجاد شده به نحوی که نگاه بیننده از صدر تا ذیل کتیبه مدام در حال چرخش و حرکت است.

میرزا حتی در کتیبه‌های سنگ‌مزار و قاب‌های محدود آن، سواد و بیاض و نسبت متن به فضای خالی را با استادی تمام اعمال نموده است. وی در این اثر نسبت دقیق حروف، ریتم و توازن بین مصرع‌ها و ابیات را رعایت کرده لذا کتیبه‌ها علاوه بر زیبایی ظاهری و انتقال پیام، تعادل بصری دارند. رعایت نسبت‌ها همچنین باعث شده کتیبه‌ها از فاصله دور نیز خوانا، متوازن، آرام و سیال به نظر برسند. تناسبات حروف در این اثر، یکی از نقاط قوت است. ارتفاع حروف عمودی (الف، لام، کاف) کنترل‌شده و بدون اغراق است و پهنای دوایر با ضخامت قلم هماهنگ بوده و هیچ تورم یا فشردگی‌ای دیده نمی‌شود.

تطابق خوش‌نویسی با ماده و حجّاری از دیگر خصائص این اثر است و نشان می‌دهد که میرزا غلامرضا، کتیبه را نه صرفاً برای کاغذ که برای اجرا در سنگ نوشته است. قطعا آشنایی میرزا با هنر

حکاکی در کتیبه‌های سنگی و تعامل او با حجّاران در اجرای اثر فوق مؤثر بوده است. سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر همچون کتیبهٔ سنگ‌مزار مهدعلیا و کتیبهٔ مسجد سپهسالار نمونه‌ای فاخر و ممتاز از کتیبه‌نویسی قاجاری در اوج بلوغ و مهارت است. این کتیبه دارای ساختاری عمودی و متقارن است. قاب و حاشیهٔ بیرونی با تزئینات گیاهی و اسلیمی، نقش حریم بصری را ایفا می‌کند و قاب‌های هندسی، به کتیبه‌ها نظم می‌دهد. این ترکیب‌بندی نشان می‌دهد که خوش‌نویس به همهٔ جوانب مادی و معنوی اثر از طراحی، تزئینات، قاب‌بندی و نگارش اشعار تا مکان نصب و فاصله دید مخاطب اندیشیده و واژه «نَمّقَ» را به درستی معنا نموده است.

**۶. «آقا علی‌اکبر» که بود؟**

جهت بررسی زندگی و احوال «آقا علی‌اکبر» منابع مختلف رجال‌شناسی قاجار و اعلام تهران و شهر ری مورد بررسی قرار گرفت اما متأسفانه هیچ نام و شرحی از ایشان به دست نیامد. آنچنان که از اشعار سنگ‌مزار فهم می‌شود وی فردی دیندار و در پی سیر و سلوک بوده و اشعار این سنگ وی را همردیف مشاهیر اهل طریقت همچون ابوسعید و بایزید معرفی می‌نماید. در ظاهر، اهل دولت و صاحب جاه و جلال اما در باطن به سیاق دراویش و فقرا زندگی می‌نموده و به سال ۱۲۶۱ق. بدرود حیات گفته است. باید توجه داشت که خوش‌نویسان برجسته و حجّاران زبردست، هنر و اعتبار خود را صرف همگان نکرده و مقام و مرتبهٔ متوفی و سفارش‌دهنده را در نظر می‌گرفتند. بر همین اساس در کتیبه‌نویسی و حجّاری سنگ‌های مزار قاجاری دو شیوه یا سبک شکل گرفته است. گونه‌ای هنرمندانه و فنّی که اغلب به شاهان و درباریان، اشراف، علما و بزرگان تعلّق دارد و بخش دیگر خام‌دستانه با اجرای ضعیف‌تر خط و حجّاری که عموم و طبقات پایین‌تر جامعه را در بر می‌گیرد.

اگر هنرمندی چون میرزا غلامرضا سنگ‌مزار آقاعلی‌اکبر را خوش‌نویسی نموده و اجرای آن را به استاد محمدعلی حجّار می‌سپارد نشان از آن دارد که احتمالا متوفی از بزرگان و معتمدین شهر ری یا تهران و شایستهٔ احترام بوده یا اینکه میرزا به خاطر کسوت درویشیِ آقاعلی‌اکبر به وی توجه و ارادت داشته است. استاد فضائلی در کتاب «اطلس خط» میرزا غلامرضا را اینگونه معرفی می‌نماید:«در فن خط از اساتید فاضل و در طریقت از سالکان کامل است»(فضائلی، ۱۳۹۰، ص. ۵۷۲).

**۷. نتیجه‌گیری**

زیبایی و عیار سنگ‌های مزار به ذوق، مهارت و همکاری طراحان، خوش‌نویسان و حجّاران و البته حمایت و نظارت سفارش‌دهندگان و بازماندگان متوفی وابسته است. این مؤانست، همکاری و مدیریت هنری در عصر قاجار به اوج خود رسیده و آثار فاخر متعددی خلق شده است. برخی از قبور شامل نقوش و خطوط استادانه هستند و نام هنرمندان مشهور و زبردست و گاه گمنام را بر خود به یادگار دارند و همچون اسنادی مهم و ماندگار، بخش‌هایی از تاریخ، فرهنگ و هنر ایران را ثبت و روایت می‌کنند. سنگ‌مزار آقا علی‌اکبر نیز در دایرهٔ همین آثار گرانقدر قرار می‌گیرد چرا که هم به شخصی با جایگاه اجتماعی بالا تعلق داشته و هم اینکه دو

تن از اساتید مسلم عصر قاجار یعنی میرزا غلامرضا اصفهانی و محمدعلی حجّار طهرانی خوش‌نویسی و اجرا کرده‌اند. قلم میرزا غلامرضا اوج سلیقه و زیبایی‌شناسی ایرانی است و طنازی، قدرت، تناسب و زیبایی شرقی را به نمایش می‌گذارد. کتیبه‌های وی در سنگ‌های مزار، شاهکارهایی از خوش‌نویسی و حجّاری عصر قاجارند و چنان ملاحت و صلابتی دارند که حتی مقوله مرگ را با آن همه تاریکی و سختی، آرام و زیبا جلوه می‌دهند. این کتیبه‌ها هرچند محدود به قاب‌بندی‌ها و فضای سنگ هستند اما در همنشینی خوش‌نویس و حجّار و با ترکیب‌بندی‌های استادانه از قطعات کاغذی میرزا چیزی کم ندارند و از منظر سیر تحول و تنوع آثار وی بسیار ارزشمندند. از آنجا که بخشی از فعالیت خوش‌نویسان بزرگ همچون میرزا به کتیبه‌های معماری و مزارنویسی بزرگان معطوف بوده شناسایی هرچه بیشتر این آثار، مسیر بررسی سبک و شیوهٔ کتیبه‌نویسی این هنرمندان را هموار خواهد نمود.

همچنین شایسته است که اهمیت و جایگاه حجّاران به عنوان مجریان کتیبه بیش از پیش مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. امر کتیبه‌نگاری و زیبایی کتیبه‌ها ورای خوش‌نویس، وابسته به همت حجّاران، کاشی‌تراشان، گچبرها و دیگر پیشه‌وران است اما متاسفانه سنّت انتقال تجارب و دانش آن‌ها به صورت شفاهی بوده و میراث هنر و معماری ایران از این حیث بسیار ناچیز و محدود است. شرح حال چندانی از این هنرمندان بی‌ادعا باقی نمانده و تنها از روی آثار یافت شده می‌توان به جایگاه و هنروری این اساتید وقوف یافت. محمدعلی حجّار و دیگر اساتید حجّار دورهٔ قاجار را نه یک صنعتگر سنگتراش که باید هنرمندانی چیره دست در نظر داشت که سنگ با همهٔ سختی و زمختی در دستان ایشان به ظرافت، زیبایی و کمال رسیده است.

**کتابنامه**


احسنت، ق. (۱۳۸۶). میرعماد تا حجاب شیرازی، مروری بر ناقل شیوه و مکتب میرعماد و تأثیر آن در خوش‌نویسی. افق پرواز.

بختیار، م. (۱۳۹۸). میرزا غلامرضا اصفهانی (استاد خطاطی عصر قاجار). کتاب‌سرای نیک.

پورحسن، ن. (۱۴۰۳). «علی اکبر حجار» هنرمند صاحب‌سبک دارالفنون. گنجینهٔ دارالفنون. ۲۷، ۵۱-۶۵.

تناولی، پ. (۱۳۹۲). تاریخ مجسمه‌سازی در ایران. نظر.

تناولی، پ. (۱۳۸۹). سنگ قبر. نظر.

حصوری، ع. (۱۳۹۶). زیبایی خط فارسی. نظر.

دهخدا، ع. ا. (۱۳۷۷). لغت‌نامهٔ دهخدا (جلد ۱۴). دانشگاه تهران.

راهجیری گیلانی، ع. (۱۳۵۵). غلامرضا اصفهانی. هنر و مردم، ۱۶۷، ۸۴-۸۸.

سهیلی خوانساری، ا. (۱۳۶۹). مرقع نگارستان. پاژنگ.

شهیدانی، ش.؛ شاهمندی، ش. (۱۳۹۰). حجاری اصفهان در آئینهٔ تخت‌فولاد، گنجینه‌های از یاد رفتهٔ هنر ایران. فرهنگستان هنر.

شهیدانی، ش.؛ شاهمندی، ش. (۱۴۰۰). دانشنامهٔ کتیبه‌های اصفهان (قلم نستعلیق)، در دست چاپ.

علیزاده، م. (۱۳۹۹). بقعهٔ بی‌بی شهربانو. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

فضائلی، ح. ا. (۱۳۹۰). اطلس خط. سروش.

قلیچ‌خانی، ح. ر. (۲۰۱۵). کهن‌ترین سنگ‌نوشته‌های نستعلیق، نقد و تحقیق، دهلی نو (جلد ۱). ۴، ۴۶-۵۲.

قلیچ‌خانی، ح. ر. (۱۳۹۲). شاهکاری از میرزا غلامرضا اصفهانی (سنگ‌مزار مهدعلیا). نامهٔ بهارستان، ویژه‌نامهٔ خوش‌نویسی. ۹-۱۴.

قمی، ق. ا. (۱۳۶۶). گلستان هنر (تصحیح ا. خوانساری). منوچهری.

کریمیان، ح. و دیگران (۱۳۹۴). بررسی حجاری‌های قاجاری در حرم حضرت عبدالعظیم (ع). نگره. ۳۶، ۴-۱۸.

کریمی، ح. ر. (۱۳۹۳). نگاهی به زندگی و آثار میرزا غلامرضا اصفهانی. کتاب‌خانه و موزهٔ آستان قدس رضوی. ۲۳ و ۲۲، ۱-۱۵.

هاشمی‌نژاد، ع. ر. (۱۴۰۱). سبک‌شناسی خوش‌نویسی قاجار. فرهنگستان هنر.